

## درباره «ملوان زبل»؛ زنده باد اسفناج!



پاپای (ملوان زبل) یکی از محبوب‌ترین شخصیت‌های کارتونی دنیاست. پاپای، ملوانی با هیکل بامزه و ساعدهایی پهن است که رویشان علامت لنگر دیده می‌شود. او یک کلاه کوچک دارد و پیبی که هیچ‌وقت از دهانش در نمی‌آورد.

پاپای (ملوان زبل) یکی از محبوب‌ترین شخصیت‌های کارتونی دنیاست. پاپای، ملوانی با هیکل بامزه و ساعدهایی پهن است که رویشان علامت لنگر دیده می‌شود. او یک کلاه کوچک دارد و پیبی که هیچ‌وقت از دهانش در نمی‌آورد. پاپای با خوردن یک قوطی اسفناج از پس هر چیزی برمی‌آید به‌خصوص آن رقیب هیکل گنده‌اش که «بروتوس» نام دارد. پخش سری کارتونی ملوان زبل و پسر از شبکه پویا انگیزه‌ای شد تا با این شخصیت بامزه بیشتر آشنا شویم. این شخصیت اولین بار در کمیک‌استریپی توسط سگار خلق شد و سال 1933 به پرده سینما راه یافت و تا سال 1938 عملاً جای میکی‌موس را در سینماها گرفت. با ظهور و رواج تلویزیون در دهه 60 ملوان زبل بار دیگر به اوج محبوبیت رسید. با وجود موفقیت سگار در آثار سرگرم‌کننده‌اش، اغلب او را از روی شخصیتی می‌شناسند که در بیش از 500 کارتون انیمیشن در سینما و تلویزیون نقش داشت. وقتی که پاپای در کمیک‌استریپ موفق شد، ماکس فلیشر برای تبدیل شخصیت پاپای به یک ستاره کارتونی انیمیشن قراردادی تنظیم کرد. کمپانی صاحب امتیاز بسیار متعجب بود که کسی بخواهد از یک چنین شخصیت زشتی در انیمیشن استفاده کند. ماکس فلیشر که هوادار پروپاقرص کمیک‌استریپ تیمبل‌تآئر بود، شخصیت ملوان زبل، اولیوویل و بلوتو را از طراحی‌های جالب کمیک استریپی الگوبرداری و در فیلم‌های انیمیشن از آنها استفاده کرد. در کمیک‌استریپ، پاپای نیروی عجیب خود را به روشی دیگر به دست می‌آورد، در حالی که فلیشر ترفند افزایش نیروی پاپای را با خوردن اسفناج پیشنهاد داد.

### ملوان زبل وارد می‌شود

اولین بار چهارم جولای 1933 این سه شخصیت کمیک‌استریپی در یکی از پیش‌پرده‌های بتی باپ با نام «ملوان زبل» ظاهر شدند. این فیلم به این منظور طراحی شده بود که محک بزند آیا ملوان مصور در روزنامه‌ها که بین بخشی از مخاطبان افسرده جامعه موفق بود، می‌تواند پای مخاطب خود را به سینما بکشد یا نه که البته ملوان در این امتحان موفق شد و تولید سریالی از مجموعه آثار او سه ماه بعد شروع شد. سایه‌ها، بافت‌ها و افکت‌های صوتی همگی مختص کارتون‌های فلیشر بود. در کارتون پاپای نسبت به بهترین محصولات انیمیشن دیزنی، به جزئیات بیشتر دقت می‌شد. فلیشر از طیف نور سیاه و سفید بهره کافی می‌برد. کاربرد تونالیته خاکستری در این کارتون نسبت به سایر آثار در تاریخ انیمیشن مؤثرتر و جذاب‌تر بود. بسیاری از انیمیشن‌ها از پس‌زمینه‌های سه بعدی استفاده می‌کردند تا دورنمای صحنه خوب نمایان شود؛ به همین دلیل حتی کارتون‌های اولیه ملوان زبل، هنوز هم تازه و مهیج است. شخصیت بلوتو در کمیک‌استریپ نبود ولی در کارتون‌ها اضافه شده و ویلیام کاستلو اولین کسی بود که صدای پاپای را گذاشت.

اما بعد جک مارسر که صدای نازک‌تر و لطیف‌تری داشت، جایگزین وی شد. مارسر تا 45 سال بعد هم به جای این شخصیت حرف زد و با جویده جویده صحبت کردن خاص خودش، شخصیت بزرگ‌تر و بهتری به این کاراکتر بخشید.

شخصیت پاپای فلیشر، یکی از موفق‌ترین اقتباس‌هایی است که بدون کم و کاست از کمیک‌استریپ به کارتون تبدیل شده است. دیگر مخلوقات تخیلی و پرزرق و برق سگار نیز به کار اضافه شدند، مثل؛ جی ولینگتون ویمپی، همبرگرخور حرفه‌ای، یوجین جیب؛ مخلوق جادویی از بعد چهارم، سوئیپی پسرخوانده ملوان زبل که در سال 1933 روی پله جلوی در منزل ملوان پیدا می‌شود و پوپ دک پاپی پدر دردرساز پاپای.

اهمیتی که در این کارتون به اسفناج داده می‌شود ناشی از چاپ یک مقاله علمی-تحقیقی است که در آن زمان به دلیل اشتباه چاپی ارزش آهن اسفناج را ده برابر بیشتر نشان داده بود.

سال 1936، پاپای در اولین کارتون انیمیشن رنگی از سری سه‌قسمتی آن یعنی «ملوان پاپای با ملوان سندباد ملاقات می‌کند»، خوش درخشید. این کارتون که از پس‌زمینه‌های سه‌بعدی فوق‌العاده‌ای برخوردار است، اغلب به اندازه فیلم اصلی در سالن نمایش خوب جلوه می‌کرد. دیگر کارتون‌های ملوان زبل به درگیری‌ها و ماجراهای وی با علی‌بابا و جادوگری می‌پردازد که در جستجوی چراغ جادوی علاءالدین است. استودیو تولید ساخت این سریال را به شیوه سیاه و سفید ادامه داد، اما کارتون‌ها تا پایان سال 1943 به فیلم‌های رنگی تبدیل شد. تا اوایل دهه 1950، بیشتر فیلمنامه‌ها با تمرکز بر مثلث عشقی، پاپای - اولیو-بلوتو، نوشته می‌شد، (نام بلوتو به دلیل شکایتی که کمپانی دیزنی از پارامونت کرد مبنی بر این که آنها دوست نداشتند، نام بلوتو با پلوتو سگ میکی اشتباه شود، به بروتوس تغییر یافت.)

### موفقیت فوق‌العاده

کارتون‌های پاپای تا سال 1960 در بیش از 150 بازار محصولات تلویزیونی توزیع شد. شرکت پخش کینگ‌فیچرز هر چند صاحب کمیک استریپ روزنامه‌ای این شخصیت بود، اما در پخش کارتون‌های این فیلم هیچ سرمایه‌گذاری مالی نداشت. آنها تصمیم گرفتند پنج استودیوی انیمیشن را کرایه کنند تا یک مجموعه 220 قسمتی از کارتون تلویزیونی پاپای را در خلال سال‌های 1960 و 1961 تولید کنند. جین دیچ، مجموعه‌ای از انیمیشن پاپای را تولید کرد که به خاطر موسیقی‌اش در یادها

ماندگار شد. جرالدری مجموعه دیگری از پایای را با داستان‌های سرگرم‌کننده‌ای ساخت و لاری هارمون، انیمیشن ساده شده آن را ساخت. بهترین آنها مجموعه کارتونهایی بود که استودیو پارامونت ساخت. تا اوایل دهه 1970 درآمد خالص پایای در روزنامه‌ها، تئاترها و تلویزیون به 50 میلیون دلار رسید. علاوه بر آن مبلغ تقریبی صد میلیون دلار از فروش اسباب بازی‌های پایای و دیگر وسایل تجاری-تبلیغاتی آن به دست آمد. از سال 1978 تا 1983 هانا - باربارا پایای و دوستانش را به برنامه صبح شنبه شبکه CBS تلویزیون آورد. البته دیگر نمی‌شد در کارتونها خشونت‌های قبلی را نشان داد و در نتیجه کارتونها چیزی برای سرگرم کردن نداشت، اما پایای پندها و اطلاعات بی‌ضرری را تقدیم مخاطب کم سن و سال خود می‌کرد. («سیگار نکشید»، «به داروها دست نزنید»، «زیاد شیرینی نخورید» و ...).

### خانواده ملوان زبل

هانا - باربارا خیلی تلاش کرد تا همان خصوصیات پایای فلیشر را حفظ کند؛ اما این نکته در مورد پروژه بعدی این استودیو (پایای و پسرش) در فصل تلویزیونی 88 - 1987 صدق نمی‌کرد. این سری کارتونی در یک فصل 13 قسمتی ساخته شد. این برنامه نیم ساعته که شنبه صبح‌ها از شبکه CBS پخش می‌شد؛ قصد داشت تا با ازدواج پایای با اولیو، داستان‌های ملوان را به روز کند و ماحصل ازدواج آنها پسری 9 ساله، نیرومند، شیطان به نام جونیور بود که بشدت از اسفناج متنفر است. بلوتو هم قبلاً ازدواج کرده بود و یک پسر به نام تانک داشت که قلدر شهر بود. جونیور با تانک مثل پدرهایشان اغلب اختلاف داشتند. هر چند این انیمیشن به دلیل کار قابل قبول و خوب موریس مارش در صداگذاری شخصیت پایای کار فوق‌العاده‌ای شده بود، اما طرفداران پایای خیلی از این به روز کردن کاراکترها راضی نبودند.

امروزه، پخش کارتونها‌های تلویزیونی پایای در شبکه‌های جهانی و به صورت ویدئوی خانگی ادامه دارد. شبکه کارتونی نت ورک از نوامبر 2001 پخش نسخه‌های پایای باقی مانده از کارتونها‌های استودیوهای پخش فلیشر و فیموس را شروع کرد، مجموعه منتخب و فوق‌العاده‌ای که توسط بری میلز ساخته شده بود.

فیلم زنده پایای با بازی رابین ویلیامز، شلی دو وال در نقش پایای و اولیو در سال 1980 ساخته شد. در این فیلم قهرمان اسفناج‌خور محبوب ما عاشق اولیو است و با رقیب خود بلوتو نبرد می‌کند. پایای قهرمان کچل و بد اخلاق در خارج از آمریکا نیز هزاران طرفدار دارد؛ این قهرمان با نام‌های بازو آهنی در ایتالیا، کارل آلفرد در سوئد و اسکپیپر اسکراک یا «وحشت دریا» در دانمارک شناخته می‌شود.

در 1937 کریستال سیتی پایتخت اسفناج در تگزاس مجسمه‌ای از پایای را به افتخار الزی سگار و پایای به علت تأثیری که این کارتونی روی عادات غذایی آمریکایی‌ها داشت برپا کرد. اسفناج کاران این ایالت به خاطر پایای سود زیادی بردند، چون مصرف اسفناج در ایالات متحده به میزان 33 درصد بالا رفت و کشت و صنعت اسفناج در دهه 30 نجات یافت. پایای اولین شخصیت کارتونی است که با یک مجسمه در مکان عمومی جاودانی شده است؛ مجسمه دیگری از این شخصیت در چستر ایلینویز آمریکا زادگاه سگار وجود دارد. به مناسبت هفتادوپنجمین سالگرد پایای یک فیلم جدید به طریقه CGI تهیه شد که از تلویزیون‌های آمریکا پخش شد، پایای هنوز هم یکی از شناخته شده‌ترین و محبوب‌ترین شخصیت‌های کارتونی در سراسر دنیاست. واقعاً جالب است، یک ذره اسفناج چه کارهایی که می‌تواند بکند!

**پریسا کاشانیان / قاب کوچک (ضمیمه شنبه روزنامه جام جم)**